

## شهید جواد دریس زاده



  
**ازتبار علی**  
سازمان جامع سرواران و فرهنگیان استان بوشهر

نام پدر	عبدالرضا
تاریخ تولد	۱۳۰۵/۰۶/۰۲
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۰۲/۱۱
محل شهادت	بندرریگ
مسئولیت	—
نوع عضویت	سایر (بمباران)
شغل	—
تحصیلات	بی سواد
مدفن	برازجان

## زندگینامه

زندگینامه شهید

بسم رب الشهداء

شهید جواد درسی زاده در دومین روز از ماه شهریور ماه سال ۱۳۰۵ در شهر آبادان دیده به جهان گشود. وی دوران کودکی خود را در دامن خانواده ای مذهبی و مستضعف پرورش یافت و در دامن پر مهر و محبت پدر و مادر بزرگ شد و تربیت یافت وی از همان اوان کودکی به علت فقر خانواده به کار پرداخت و همیشه در کنار دیگر اعضای خانواده چون عضوی فعال و کوشا بود ایشان وقتی بزرگتر شد به کار ملوانی پرداخت و با لنج های ماهیگیری به کار ماهیگیری می پرداخت وی به تشکیل خانواده دست زد و با این کار به تأمین امرار معاش خانواده می پرداخت تا اینکه جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران شروع شد و ایشان به خاطر خانواده و حفظ سلامتی ایشان خانواده خویش را به برازجان انتقال داد و خود نیز در بندر ریگ برای ادامه کار ملوانی به کار پرداخت و در آنجا شروع به کار نمود وی در نهایت بر اثر بمباران هوایی دشمن بعثی در بندر ریگ در تاریخ ۱۱/۲/۶۵ به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

## خاطرات

بسم رب الشهداء

خاطره ای از فرزند شهید جواد درسی زاده:

ای شهیدان ای زنده تاریخ، ای مشعل هدایت وای مظهر امید، ای قطره قطره نبرد و جنگ، صدها جوی خون ورود و سیل خروشان خون آفریدید و صدها دشمن اسلام را در هم گوییدید. ای نهل فضیلت و تقوا، از خون شما سر به آسمان کشیده و تنومند شد. خاطره های شما دلاور مندان همیشه در دل زنده خواهد ماند. شما که پایه های ظلم را لرزانید و نهال اسلام را آبیاری نموده اید به آینده گان درس چگونه ماندن را آموختیدید. هم چنان که مولا امام حسین (ع) چگونه بودن را به شما آموخت. ای حسین ای فرشته آزادی شما بودید که راه شهادت و آزادگی را به شهیدان آموختید.

پدرم متولد خرمشهر و ساکن آبادان بودند و بعد از جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران به برازجان آمدید. همه چیز را از دست دادیم خانه، زندگیمان و حتی روحیه. من در آن موقع ۱۲ ساله بودم که جنگ شروع شد. پدرم با وجود فقری که در خانواده ما بود صبر و توکل در روحیه ایشان پایدار بود. ایشان ملوان بودند و از بندر ریگ عازم سفر می شدند. در اوایل سال ۱۳۶۵ ایشان ۵۸ سن داشتند. همراه با دیگران با لنج از بندر ریگ عازم سفر شدند و شب همان روز هواپیماهای منعوس و شوم صدام به شناور آنها حمله کردند که همه خدمه آن شناور به درجه رفیع شهادت نائل شدند. روحشان شاد و یادشان گرمی باد.

ایشان مردی با ایمان و درست کار بودند و از مقلدین امام خمینی(ره) بودند و به دین و انقلاب بی نهایت پای بند بودند. ایشان سعی می کردند حتما همیشه در آخر ماه شعبان اول ماه رمضان اگر چه وضع روحی ما مناسب نبود خمس را می پرداختند. ایشان قرآن را به خوبی تلاوت می کردند. و به آیات قرآن به خوبی عمل می کردند. ایشان من و خانواده را به کارهای خوب مثل قرآن خواندن و عمل کردن به آن، و به دیگران بنگی کردن و از وطن و اسلام دفاع کردن توصیه می کرد و همیشه از شهادت و درجه آن بیان میکردند تا اینکه به درجه بلند شهادت نائل گردیدند.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران